

صبح بخیر
امروز برادر تیم درباره‌ی کتاب استر بر ایمان موعظه خواهد کرد
آمین که برکت بگیریم
متن استر ۱: ۵ تا ۸: ۲

خوب، الان که یک هفته از تاج گذاری گذشته، چه احساسی نسبت به آن دارید؟

از هر نظر که فکر کنید، نمایشی باورنکردنی از شکوه و شرف بود... هیچ کس دیگری واقعاً چنین نمایش‌های سلطنتی چشمگیر را انجام نمی‌دهد. اما، یک هفته بعد، میبینیم که، با وجود تمام نمادهای قدرت - شمشیر، تاج، لباس و عصا - شاه چارلز واقعاً کنترل را در دست ندارد. بلکه قدرت در دست مجلس است

و با این حال، همانطور که در حال حاضر به کشور خود و به مشکلات مختلفی که در این ۱۰ سال گذشته با آن روبرو بوده ایم نگاه می‌کنیم، باید بررسی کنیم که آیا دولت و مجلس واقعاً کنترل را در دست دارند؟

ما دیدیم که یک ویروس همه چیز را متوقف کرده است. ما شاهد تغییر نیروهای اقتصادی و بازار در سبک زندگی ما بوده ایم

، چه کسی کنترل و قدرت را در دست دارد؟ در نزدیکی خانه، ممکن است مشکلات سلامتی، مشکلات خانوادگی مشکلات کاری را دیده باشیم. در کلیسای جهانی، ما شاهد آزار و شکنجه، تعلیمات نادرست، رسوایی‌های سوء استفاده... باشیم

ما دعا کرده ایم اما، اغلب، این دعاها مستجاب نشده است. و بنابراین ما باید بررسی کنیم: چه کسی در قدرت است؟ آیا واقعاً خدا بر همه چیز کنترل دارد؟

این سوالی است که بارها و بارها در استر به آن می‌پردازیم - آیا واقعاً خدا قدرت دارد؟ آیا او واقعاً در راس امور است؟ آیا او دعای ما را می‌شنود؟ آیا او اهمیت می‌دهد؟

ما برای قسمت ماقبل آخر کتاب به سراغ استر می‌رویم

... یک نسل کثی قریب الوقوع قوم خدا وجود دارد، زیرا آنها با عداوت کهنه و جانپناهی همان روبرو هستند

و هفته گذشته دیدیم که چگونه استر، که شاید برای مدتی در نقش ملکه قرار گرفته است... استر از قوم خدا... می‌خواهد که سه روز روزه بگیرند و دعا کنند

و بنابراین، همانطور که این قسمت را می‌خوانیم، این سوال را می‌پرسیم: "در نهایت چه کسی کنترل امور را در دست دارد؟"

۱. صحنه ۱: استر وساطت میکند. ۵: ۸-۱

«حالا، ما اینجا هستیم، بعد از آن همه روزه...» در روز سوم

استر به طرز شگفت‌انگیزی شجاع است. او به دادگاه داخلی می‌رود، جایگاه قدرت نهایی در کشور. در آن زمان کسانی که بدون دعوت به حضور پادشاه می‌رفتند در معرض خطر مرگ بودند (۴: ۱۱) و او ۳۰ روز است که مورد لطف شاه نبوده است (۴: ۱۱) و با این حال باز هم به آن مکان قدرت نهایی می‌رود تا برای قوم خدا میانجیگری کند.

۵: ۲ - ملکه استر "در نظر [پادشاه] مورد لطف قرار گرفت...". و نمرود شاه برای اولین بار او را ملکه استر می‌نامد... مردخای از خود پرسیده بود که آیا او برای «زمانی اینچنینی» به قدرت رسیده است و در اینجا می‌بینیم که واقعاً چنین است

نه تنها به او احترام گذاشته می شود و به او اجازه زندگی داده می شود، پادشاه استر را تحت لطف خود قرار می دهد و می پرسد: "درخواست شما چیست؟"

در این لحظه، لحظه شجاعت باورنکردنی استر است که ما شروع به دیدن دست پنهان خدا در کار می کنیم، که بی سر و صدا وقایع را به سمت پایانی که در برنامه دارد هدایت می کند. خداوند دعای روزه آنها را شنید و اجابت کرد

"غیبت معجزه به معنای غیبت خدا نیست"

استر به پادشاه پاسخ می دهد: «شما و هامان به مهمانی بیایید...» تکه های پازل حرکت می کنند... دست پنهان خدا در کار است

و سپس در آن عید، (۵: ۶) پادشاه بار دوم از او می پرسد: "درخواست تو چیست؟" او پاسخ می دهد: "تو و هامان به جشن دوم بیایید"

۲. صحنه ۲: نقشه هامان برای قتل ۵: ۹-۱۴

هامان در بیشتر قسمت های این کتاب، وقت اش را با دقت در طرح نسل کشی قوم عهد خدا صرف کرده است، و از دعوت شدن به این جشن خرسند است. البته، او نمی داند که استر یهودی است، زیرا او تا به حال این موضوع را... مخفی نگه داشته است

آیه ۹، هامان با خوشحالی و شادمانی بیرون رفت... فقط با دیدن مردخای پر از خشم شد

، او با خشم به خانه می رود و همسر و دوستانش را جمع می کند. و در آنجا شروع به فخرفروشی به آنها می کند متکبران، خودخواهانه به آنها می گوید که چقدر با عظمت است. (آیه ۱۱) شکوه ثروت او، تعداد پسرانش، همه... ترفیعات او که به آنها مفتخر شده است

و با این حال، هامان ادامه می دهد، (۵: ۱۳) "همه این [چیزهای شگفت انگیز] برای من ارزشی ندارند، تا زمانی که... مردخای، که عظمت من را نمی شناسد، زندگی می کند

بنابراین، آنها نقشه ای می اندیشند: مردخای را در صبح بکشند

و آنها نه تنها مردخای را خواهند کشت، بلکه این کار را به شدیدترین شکل انجام خواهند داد. او را بالای یک تیر ۵۰ ذراعی آویزان خواهند کرد. (یک تیر ۲۵ متری): اعدام و تحقیر. و سپس هامان می تواند با شادی به جشن استر... برود

۳. صحنه ۳: تغییر شکل مردخای ۶: ۱-۱۱

داستان ادامه می یابد - همان شب، شب قبل از قتل مردخای، به چیزی می رسیم که یکی از مفسران آن را طنزآمیزترین صحنه در کل کتاب مقدس... می نامد - اما همچنین یکی از بهترین صحنه های دلگرم کننده و هیجان انگیز در کل کتاب مقدس است. واقعا چه کسی کنترل اوضاع را در دست دارد؟

۶: ۱. شاه شب بی خوابی دارد. بیخوابی. همه ما چنین شب هایی را داشته ایم

من نمی دانم درمان بی خوابی شما چیست! اما درست مانند بسیاری از ما، پادشاه بر این باور است که خواندن یک کتاب خوب او را آرام می کند و به او کمک می کند دوباره بخوابد

می توانید صحنه را تصور کنید

کدام کتاب؟ نمی دانم - آن یکی. آن یکی در مورد کتاب اعمال به یاد ماندنی، تاریخ سلطنت من تا کنون

اوم کدوم قسمت رو بخونم؟ صفحه ای را انتخاب کنید... و آنها در پایان به خواندن متنی می پردازند که در مورد نجات پادشاه از یک سوء قصد، که در واقع درباره‌ی مردخای صحبت می کند که پادشاه را از یک سوء قصد نجات داده است. (۲: ۱۹-۳۲)

...آیه ۳۳ پادشاه راست می نشیند - "به خاطر این کار بزرگ مردخای چه پاداشی گرفت؟" "هیچ چی." هوم

آیه ۴ خوب. پادشاه می پرسد: چه کسی در دربار است؟

به آیه ۴ نگاه کنید: هامان به تازگی وارد دربار شده است تا با پادشاه در مورد اعدام مردخای صحبت کند .

...پادشاه او را به داخل می خواند

آیه ۶: "با مردی که پادشاه دوست دارد از او تکریم کند، چه باید کرد؟" هامان خود شیفته با خود فکر می کند: "پادشاه دوست دارد چه کسی را بیشتر از من گرامی بدارد؟"

سپس هامان فهرستی از افتخارات را برای پادشاه برمی گرداند و فکر می کند که همه چیز برای او انجام خواهد شد. ردای پادشاه و اسب پادشاه را به آن شخص بدهید (آیه ۸)، سپس از او بخواهید در یک صفوف باشکوه در شهر هدایت شود. (آیه ۹)

به یاد بیاورید که در داستان یکشنبه گذشته در مراسم تاج گذاری چه اتفاقی افتاد، لباس ها، افتخارات و صفوف به مردخای اهدا می شد

...پادشاه پاسخ می دهد، ایده عالی! «عجله کن... [این کار را انجام بده] (آیه ۱۰) همانطور که گفتی... به مردخای... چیزی را کم نکن

هیچ چیز به نام تصادف وجود ندارد. این یک رشته شگفت انگیز از حوادث خداست

۱. بی خوابی در آن شب خاص قبل از روزی که مردخای قرار بود صبح به قتل برسد
۲. آن کتاب خاص در آن شب
۳. آن بخش خاص از آن کتاب در آن شب

این گونه بود که خداوند جان مردخای را نجات داد. اما او فقط این کار را نکرد

۴. هامان به معنای واقعی کلمه دقیقاً در آن لحظه وارد شده بود
۵. پادشاه دقیقاً در آن لحظه آن سؤال خاص و فوق العاده مبهم را پرسید
۶. هامان به طرز باورنکردنی خود محور است و قرار گرفتن در مکان مناسب در زمان مناسب، دقیقاً نوع درستی پاسخ مبهم به این سؤال مبهم می دهد که ممکن است ناخواسته به دشمن قسم خورده خود مردخای احترام بگذارد

"غیبت معجزه به معنای غیبت خدا نیست"

خداوند برنامه های خوب و مهربان خود را اجرا می کند، هیچ چیز نمی تواند او را متوقف کند

و به این ترتیب، هامان، به جای کشتن مردخای، مردخای را در برابر چشمان همه تغییر شکل می دهد

مردخای، این واسطه بزرگ برای قوم خدا، دگرگون شده است! او در برابر چشمان آنها تغییر می کند، او در نهایت تکریم و تجلیل می شود. جایگاه او پنهان شده بود، اما اکنون جایگاه او در حالی که لباس پوشیده و در شهر رژه می رود، نگه داشته شده و مورد احترام قرار می گیرد

و همانطور که این را می بینیم، سایه ای از خداوند عیسی آینده را می بینیم. ما نگاهی اجمالی به نحوه جلال و تکریم و تجلیل خداوند عیسی پس از بازگشت و تا ابد داریم

پروردگار خوب و مهربان ما، که عدالت او پنهان است، نگه داشته و مورد احترام قرار خواهد گرفت، و واسطه او برای ما، سرانجام به اثبات می رسد، جلال او آشکار می شود.

پدر در مورد او گفت: "این پسر من است که من از او راضی هستم" - خوب، روزی می آید که تمام خلقت زانو زده و اعتراف خواهند کرد که او خداوند است.

این اتفاق خواهد افتاد. او در قدرت است. ایمان ما با ظهور عیسی اثبات خواهد شد. قرار است اتفاق بیفتد: همان طور که دستان پنهانش در آن شب بی خوابی در شهر شوش کار می کرد، دست های پنهانش هم اکنون هم در کار هستند...

۱. صحنه ۴: متوجه شدن هامان ۶: ۱۲-۱۴

، هامان بالاخره متوجه می شود. او در تمام طول این کتاب علیه یهودیان، قوم عهد خدا، کار کرده است. اما تا کنون او هنوز متوجه نشده است که آنها قوم عهد خدا هستند.

خداوند به آنها و ما وعده های شکست ناپذیر داده است: آنها برای همیشه قوم او هستند و او برای همیشه خدای آنها خواهد بود.

همسر و حکیمان هامان برای او چنین می گویند: «اگر مردخای ... از قوم یهود [قوم عهد خدا] باشد، بر او غلبه نخواهی کرد، بلکه حتماً پیش او می افتی...» داستان در حال کامل شدن است.

یا همانطور که پولس صدها سال بعد در رومیان ۸ بیان کرد

آیه ۸: ۳۱ اگر خدا با ما باشد، چه کسی می تواند علیه ما باشد؟
۸: ۳۲ کسی که پسر خود را دریغ نکرد، بلکه او را برای همه ما قربانی کرد، چگونه به خاطر او همه چیز را به ما نخواهد بخشید؟

۸: ۳۸ زیرا من مطمئن هستم که نه مرگ، نه حیات، نه فرشتگان، نه فرمانروایان، نه چیزهای حاضر، و نه چیزهای آینده و نه قدرت ها
۸: ۳۹ نه ارتفاع و نه عمق و نه هیچ چیز دیگری در تمام آفرینش نمی تواند ما را از محبت خدا در خداوند ما مسیح عیسی جدا کند.

هامان بالاخره فهمید که خدا بر همه چیز کنترل دارد، خدا خوب است و خدا به وعده هایش عمل می کند. اما برای او خیلی دیر شده است.

۵. صحنه ۵: استر قوم خدا را نجات می دهد ۷: ۱ تا ۸: ۲

سرانجام به جشن دوم استر می رسیم و استر دوباره کاملاً کنترل را در دست دارد. (۷: ۲) پادشاه دوباره برای بار «سوم از او می پرسد: «آرزوی تو چیست، ملکه استر؟ به شما عطا خواهد شد»

و در اینجا، در برابر پادشاه، به جای قدرت نهایی انسانی، استر برای مردم خود واسطه می شود.

آنگاه شهبانو استر پاسخ داد: «پادشاهها! اگر بر من نظر لطف داری و اگر پادشاه را پسند آید، جان من به درخواست من و جان قوم من نیز به خواهش من، به من بخشیده شود. زیرا که من و قومم فروخته شده ایم تا هلاک و کشته و نابود شویم. اگر تنها به غلامی و کنیزی فروخته می شدیم، لب فرو می بستم، زیرا مصیبت ما در قیاس با زیان پادشاه هیچ است.» آیات ۷: ۳-۴

"شاه در شوک است. (آیه 5) او کیست و کجاست که جرأت کرده است این کار را انجام دهد؟"

«!خصم و دشمن! این هامان شریر» (v.6) استر با انگشت اشاره می کند

و پادشاه برآشفته، از نوشیدن شراب برخاست و به باغ کاخ رفت. اما هامان چون دید که بلا از جانب پادشاه برایش مقدر است، در آنجا ماند تا برای جان خود دست به دامان شهبانو استر شود. هنگامی که پادشاه از باغ کاخ به تالار نوشیدن شراب بازگشت، هامان خود را بر تختی که استر بر آن بود، می افکند. پس پادشاه گفت: «آیا این شخص به هنگام حضور من در خانه، به شهبانو دست‌درازی می‌کند؟» هنوز این سخن بر زبان پادشاه بود که روی هامان را پوشانند.
استر ۷: ۷-۸

تصادفی نیست، این یک اتفاق دیگر خداست. سرنوشت هامان مهر و موم می شود و واژگونی شگفت انگیز شروع می شود.

در فصل ۳، مردخای از تعظیم در برابر هامان خودداری کرد و به مرگ تهدید شد. اما در اینجا هامان در برابر استر می افتد و (۷: ۹) خود به اعدام محکوم می شود.

ما به تازگی دیدیم که هامان چگونه امیدوار بود که مردخای را بر آن تیر ۲۵ متری آویزان کند و امیدوار بود که توسط پادشاه مورد احترام قرار گیرد. اما اکنون، مردخای به همان افتخارات مفتخر شده است و (۷: ۱۰) هامان بر همان تیرک آویزان شده است.

در فصل ۳، دیدیم که هامان چگونه امیدوار بود استر، مردخای و همه قوم عهد خدا را بکشد و هر چه داشتند را بگیرد. اما اکنون (۸: ۱-۲) به استر و مردخای تمام آنچه هامان مرده داشت داده شد.

همه به خاطر واسطه‌گری شجاع استر برای مردمش، و همه به خاطر دست پنهان خدا در کار

"غیبت معجزه به معنای غیبت خدا نیست"

و دوباره در اینجا سایه ای از خداوندمان عیسی را می بینیم، این بار در استر

شجاعت او برای ما، تمایل او برای قرار دادن خود در خطر برای نجات ما. زاده شدن او به عنوان خدا و انسان، از «نسل داوود نبی:» برای زمانی اینچنین

با این حال، خداوند عیسی دقیقاً شبیه استر نبود. بله، او برای ما واسطه شد، اما خود عیسی خداوند مرد تا مردان و زنان خودخواه و خودمحور مانند ما را نجات دهد. این واژگونی بزرگی است که او در صلیب به دست آورد، تا ثروتی که داشت ممکن است به دشمنانش - به ما - داده شود، همانطور که او مجازاتی را که شایسته ما بود، گرفت

[مکث]

سال‌ها بعد، قوم عهد خدا به این وقایع در استر نگاه می‌کردند، در راهی که خدا میانجی‌هایی را برای قوم خود برانگیخت و احقاق کرد، میانجی‌هایی که آنها را در برابر همه مشکلات نجات دادند و به خاطر آن بسیار مورد احترام قرار گرفتند... و مزمورها را نوشتند. ۱۲۶: ۱-۳

چون خداوند سعادت گذشته را به صهیون بازگردانید، همچون کسانی بودیم که خواب می‌بینند. آنگاه دهانمان از خنده «پر شد، و زبانمان از سرود شادمانی! آنگاه در میان قومها گفتند: «خداوند برای ایشان کارهای عظیم کرده است! آری، خداوند برای ما کارهای عظیم کرده است، و ما شادمان گشته‌ایم
۳مزمور - ۱: ۱۲۶

ما به پایان زمان خود در استر نزدیک می‌شویم، و امیدوارم که شما نیز مانند ما آن را چالش‌برانگیز، دلگرم‌کننده و برای قلب‌هایتان مفید یافته باشید... ما به پایان استر نزدیک می‌شویم، اما هنوز در میانه داستان خود هستیم - واسطه

بزرگ ما آمده است و ما را نجات داده است، همانطور که هستیم، اما او هنوز برنگشته است و ایمان ما (به یک معنا) هنوز اثبات نشده است)

اما خبر شگفت انگیز این است که نجات کار خداست. تمام تاریخ کار دست خداست و این شامل رستگاری است. این کار او در زمان استر و مردخای بود و اکنون هم همینطور است. پروردگار خوب و مهربان ما هرگز از انجام آنچه که وعده داده است کوتاهی نمی کند. همانطور که همسر و دوستان هاما به ما یادآوری کردند، اگر خدا طرفدار ما باشد، چه کسی یا چه چیزی می تواند علیه ما باشد؟

در دنیای ما اغلب احساس می شود که قدرت واقعی در اختیار چیزهایی است که خارج از کنترل ما هستند: دولت ها، پول، مشاغل، سرطان، سلامتی، مرگ، گناه... اما بارها و بارها دیده ایم که در واقع این خداوند است که کنترل را در دست دارد. چه کلمات شگفت انگیزی از پولس است

، زیرا من مطمئن هستم که نه مرگ، نه زندگی، نه فرشتگان، نه فرمانروایان، نه چیزهای حاضر، نه چیزهای آینده" نه قدرت ها، نه ارتفاع و نه عمق، و نه هیچ چیز دیگری در تمام آفرینش، نمی تواند ما را از عشق خدا جدا کند. در خداوند ما مسیح عیسی

نجات ما امن است زیرا کار اوست. ما امن هستیم زیرا در دستان پنهان او هستیم. و آن دست ها دست های قوی و دوست داشتنی هستند که ما را تا آخر نگه می دارند

و «تا آن روز، ما سفر می کنیم، با اعتماد به اینکه دست پنهان خداوند همیشه در کار است، برای خیر ما، برای» نجات ما